

شاخص - دفتر هشتم

عدالت اقتصادی

بررسی جایگاه عدالت در انقلاب و نظام اسلامی



تهیه شده در بسیج دانشجویی
دانشگاه صنعتی شریف

عدالت اقتصادی

بررسی جایگاه عدالت در انقلاب و نظام اسلامی

۳		معنا و مفهوم عدالت
۳		ضرورت و اهمیت عدالت
۳		جایگاه عدالت در ادیان مختلف و اسلام
۴		جایگاه عدالت در انقلاب و نظام اسلامی
۵		رابطه عدالت با رشد اقتصادی
۶		تفاوت نگاه اسلامی و غربی به عدالت
۶		۰ رابطه عدالت با پیشرفت
۷		۰ رابطه عدالت با رفاه مادی
۷		مصادیق عدالت
۷		۱. حمایت از اقشار محروم و فقیر
۷		۲. مبارزه با مفاسد اقتصادی
۸		۳. پر کردن شکاف اقتصادی
۸		۴. توزیع عادلانه امکانات
۹		۵. مبارزه با اشرافیگری
۹		لازمه های تحقق عدالت
۹		گفتمان سازی عدالت
۱۰		بررسی تطبیقی بیانات امام خامنه ای بر عملکرد دولت های اخیر
۱۱		دولت سازندگی
۱۱		تاکید بر گفتمان عدالت محوری در عرصه اقتصاد
۱۱		توزیع عادلانه امکانات و توجه به اقشار محروم
۱۴		مقابله با مفاسد اقتصادی
۱۵		ساده زیستی و برخورد با اشرافی گری

۱۶		دولت اصلاحات
۱۶		تاکید بر گفتمان عدالت اجتماعی در عرصه اقتصاد:
۱۸		دولت نهم و دهم
۱۸		تاکید بر گفتمان عدالت محوری
۱۹		توزیع عادلانه امکانات و توجه به اقشار محروم
۲۰		ساده زیستی و برخورد با اشرافی گری

معنا و مفهوم عدالت

برای تبیین اجمالی معنا و مفهوم عدالت می توان گفت: «عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن... عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن، و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن» هرچند تعریف مشروح تر و ذکر برخی مصادیق مفهوم عدالت، در این تعبیر گویاتر هستند: «عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود است و احکام است. عدالت، یعنی کمک به محروم و ضعیف. عدالت، یعنی اینکه برنامه ها و حرکت کلی کشور، در جهت تأمین زندگی مستضعفان باشد. عدالت، به معنای این است که کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی، از حقوق خود محروم ماندند، به حقوقشان برسند. عدالت، یعنی اینکه عده ی خاصی برای خودشان حق ویژه ای قائل نباشند. عدالت، یعنی اینکه حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی، یکسان برای مردم اجرا شود.»^۲

ضرورت و اهمیت عدالت

در باب ضرورت و اهمیت عدالت سخنان فراوانی بیان شده و در ادامه جزوه نیز به آن ها اشاره خواهد شد، اما این تعبیر قرآنی، جایگاه و اهمیت عدالت را به بهترین وجه نشان می دهد: «بالعدل قامت السموات و الارض؛ عدالت در بنیان عالم و آفرینش، نقش اساسی دارد؛ یعنی سنت آفرینش عدل است و هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرد، ماندگار و موفق و کامیاب است»^۳

جایگاه عدالت در ادیان مختلف و اسلام

عدالت از جمله مفاهیمی است که در طول اعصار مختلف، حکما و فلاسفه درباره آن سخنان فراوانی گفته اند، اما جایگاه عدالت در ادیان همواره جایگاه ویژه ای بوده که قابل قیاس با جایگاه آن در هیچ یک از مکاتب نیست: «آنچه که ادیان در طول زمان راجع به عدالت گفتند و خواستند و اهتمام کردند، بی نظیر و استثنایی است... اولاً به شهادت قرآن، ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط... خصوصیت دیگر ادیان این است که انبیاء در طول تاریخ در کنار مظلومان قرار گرفته اند؛ یعنی برای عدالت عملاً پیکار کرده اند... نکته ی سوم این که همه ی ادیان متفقند در این که پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است. یعنی قاطعاً می گویند که یک دورانی خواهد آمد که دوران عدل خواهد بود، که

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

۲. بیانات در دیدار مسئولان و اқشار مختلف مردم (۱۳۶۸/۱۲/۲۲)

۳. بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه (۱۳۸۰/۴/۷)

آن دوران استقرار دین کامل است... پس در مبدأ، در مسیر و در انتها، نبوت ها تکیه شان روی عدل است؛ این بی نظیر است.^۴، البته در میان ادیان مختلف نیز، دین اسلام که دین کامل و خاتم است، همانند سایر عرصه ها در زمینه عدالت هم از دیگر ادیان پیشی گرفته به نحوی که «شاید در اسلام در مورد مسائل اجتماعی، هیچ چیز به قدر عدالت، مورد توجه قرار نگرفته است.»^۵

جایگاه عدالت در انقلاب و نظام اسلامی

«در انقلاب اسلامی ما که یک حرکت دینی بود، به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. در شعارهای مردمی، در قانون اساسی، در بیانات امام راحل (ره)، در گفتمان های موضعی، و در زمان های مختلف و به مناسبت های مختلف که جمهوری اسلامی مطرح کرده، این جایگاه ممتاز دیده می شود... عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه ی دغدغه های نظام از اول انقلاب بوده.»^۶ عدالت از همان ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون مورد توجه رهبران نهضت و همچنین متفکرین انقلاب بوده است، به نحوی که شهید استاد مطهری، عدالت را یکی از سه رکن اصلی بقا و تداوم انقلاب اسلامی ایران میدانند.^۷ همچنین در نگاه امام خمینی (ره) نیز، عدالت به قدری پر رنگ و با اهمیت است که می توان گفت: «عدالت اجتماعی یکی از مهم ترین و اصلی ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار ماست.»^۸ پس از رحلت امام عظیم الشان نیز، عدالت همواره در صدر دغدغه ها و مسائلی بوده که رهبر انقلاب بر آن تأکید و اهتمام داشتند، به نحوی که در جایی می فرمایند: «در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه ی تصمیم گیری های اجرایی است و همه ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسئولان بخش های مختلف اجرایی، به خصوص رده های سیاست گذاری و کارشناسی، و تا قضاات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند.»^۹ این اهتمام و دغدغه مندی ناشی از یک بینش عمیق اسلامی است که عدالت را در صدر اهداف تشکیل حکومت و نظام اسلامی قرار می دهد و بسیاری از اهداف و حرکت ها را مقدمه ی آن می شمارد، بنابراین: «هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه ی آن است.»^{۱۰}

۴ بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت (۱۳۹۰/۲/۲۷)

۵ بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران (۱۳۷۵/۱۱/۱۲)

۶ بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت (۱۳۹۰/۲/۲۷)

۷ آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۱۴۷.

۸ بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) (۱۳۸۳/۳/۱۴)

۹ پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۷۰/۳/۱۳)

۱۰ پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی (۱۳۷۲/۱/۱)

تا اینجا به تبیین معنا و مفهوم عدالت، ضرورت و اهمیت آن، همچنین جایگاه ممتاز این ارزش در دین اسلام و دیگر ادیان و نیز انقلاب و نظام اسلامی پرداخته شد. در ادامه به رابطه ی عدالت با رشد اقتصادی و همچنین تفاوت نگاه اسلامی و غربی به این مقوله و نیز به ذکر برخی مصادیق آن خواهیم پرداخت.

رابطه عدالت با رشد اقتصادی

در دنیای اقتصاد یکی از مسائلی که همواره مطرح بوده و نظریه پردازان اقتصادی در مکاتب مختلف درباره آن اظهار نظرهای گوناگونی داشته اند، بحث رشد اقتصادی، عدالت و رابطه ی این دو می باشد. در اسلام نیز این مسئله مغفول نمانده به طوری که: «ما وقتی به صورت کلان به زمینه اقتصاد اسلامی نگاه می کنیم، دو تا پایه ی اصلی مشاهده می کنیم. هر روش اقتصادی هر توصیه اقتصادی و نسخه ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند معتبر است. هر نسخه ای هر چند هم مستند به منابع علی الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از افزایش ثروت ملی. کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین الملل پیش ببرد. پایه ی دوم، توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه ی اسلامی است. این دو تا باید تأمین شود. و اولی شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم بنابر این هر دو تا لازم است»^{۱۱}. البته در این که برای تأمین عدالت و رفع محرومیت باید تولید ثروت و رشد و رونق اقتصادی صورت پذیرد، شکی نیست ولی «ما نمی خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه ی این سازندگی یا نتیجه ی رونق اقتصادی، این باشد که عده ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده ای فقیرتر شوند. این، به هیچ وجه مورد رضای و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه ی محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله ی بین فقیر و غنی، روز به روز کمتر شود. این، هدف اصلی است»^{۱۲}. در یک کلام: «نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ی ثروتمند است، نه یک جامعه ی فقیر و عقب مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و رفاه عمومی»^{۱۳}

۱۱ بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی (۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

۱۲ پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی (۱۳۷۲/۱/۱)

۱۳ بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۲/۵/۱۲)

تفاوت نگاه اسلامی و غربی به عدالت

«اساساً رویکرد نگاه اسلامی به عدالت، با رویکرد نظام های غربی و نظریه های غربی متفاوت است. در اسلام، عدالت ناشی از حق است... و علاوه ی بر این، در عدالت «باید» وجود دارد؛ یعنی از نظر اسلام، عدالت ورزی یک وظیفه ی الهی است؛ در حالی که در مکاتب غربی این جور نیست. در مکاتب غربی به اشکال مختلف عدالت مطرح می شود، در سوسیالیسم یک جور، در لیبرالیسم یک جور؛ با همه ی تطورات و شکل های گوناگونی که این مکاتب داشته اند، در هیچ کدام از این ها، نگاه به عدالت، یک نگاه بنیانی و اساسی و مبتنی بر ارزش های اصولی مثل دین و مثل اسلام نیست.»^{۱۴} نگاه اسلامی و غربی به عدالت در زمینه های مختلفی تفاوت پیدا می کند، اما عمده این تفاوت ها در رابطه ای که بین عدالت و پیشرفت و همچنین نوع برداشتی که از رفاه مادی وجود دارد، نمود پیدا می کند. در ادامه به این دو مطلب می پردازیم:

• رابطه عدالت با پیشرفت

نوع نگاهی که به ارتباط بین پیشرفت و عدالت در اسلام وجود دارد با نوع نگاه غربی متفاوت است، «اسلام به ملت ها، رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی می دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. نسخه ی اقتصادی که امروز کشور های غربی برای مردم دنیا می پیچند و ارائه می دهند که طبقاتی را مرفه می کند و رونق اقتصادی را بالا می برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می شود؛ این را اسلام نمی پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با مساوات و همراه با روح برادری، باز در سایه ی اسلام به دست می آید.»^{۱۵}، درواقع اسلام، پیشرفت و عدالت را در کنار هم می خواهد، «ما در زمینه ی همه ی فعالیت های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور. ما طبق برخی از سیاست هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه ی موارد؛ هم در کاهش حجم

بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت (۱۳۹۰/۲/۲۷)

۱۴

بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) (۱۳۸۷/۳/۱۲)

۱۵

دولت، هم در مسئله خصوصی سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.^{۱۶}

• رابطه عدالت با رفاه مادی

نوعی تلقی و برداشتی که از رفاه مادی مطلوب در اسلام و غرب وجود دارد تفاوت های عمده ای دارند و از نظر اسلام، «رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه ی مصرف گرایی نیست که خود، یکی از سوغات های فرهنگ شوم غرب است- بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تجربه همگانی شود و نشانه های فقر و عقب افتادگی رخت ببرندند.»^{۱۷}

مصادیق عدالت

عدالت به عنوان یک مفهوم ارزشی تا زمانی که در عرصه عمل و مصداق مورد توجه قرار نگیرد، نمی تواند جامعه اسلامی را به جایگاه واقعی خود برساند. در اینجا با بهره گیری از بیانات رهبر انقلاب به بیان مهم ترین مصادیق عدالت پرداخته ایم:

۱. حمایت از اقشار محروم و فقیر

«امروز در جامعه ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات و تهیدست و کم درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه ی مراحل بر دوش داشته اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده اند.»^{۱۸}، این نگاه همواره در نظام اسلامی مورد توجه بوده و دلیل این توجه مؤکد نیز مبانی مستحکم قرآنی و روایی و جهت کلی ادیان است، به عنوان مثال، «طبق آیه ی قرآن که فرمود: و نرید ان نمّن عالی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین، انسان می فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است.»^{۱۹}

۲. مبارزه با مفاسد اقتصادی

«یکی از مصداق های عدالت، مبارزه با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته

۱۶ بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۸۳/۶/۴)

۱۷ پیام به ملت شریف ایران (۱۳۶۸/۴/۲۳)

۱۸ پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) (۱۳۷۰/۰۳/۱۳)

۱۹ بیانات در دیدار مردم استان چهارمحال و بختیاری (۱۳۷۱/۰۷/۱۵)

شود.^{۲۰} رهبر انقلاب نیز از ابتدای رهبری شان به صورت پیوسته بر این محور تأکید داشته اند، در ادامه به یکی از بیانات ایشان پیرامون مقوله فساد اشاره می شود: «به مسئولان بارها گفته ام، تأکید هم کرده ام، باز هم می گویم و پای این مطلب ایستاده ام: باید با فساد در دستگاه های دولتی و دیگر دستگاه های حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خود مسئولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه های آن ها فساد به وجود آید. اگر آن ها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند.»^{۲۱}

۳. پر کردن شکاف اقتصادی

پر کردن شکاف اقتصادی و فاصله طبقاتی به عنوان یکی از مهم ترین مصادیق عدالت همواره مطرح بوده و به عنوان یکی از اصول اساسی نظام عنوان شده، «اصل عدالت اجتماعی، اجرای عدالت، در نظر گرفتن حق توده های وسیع مردم و پر کردن فاصله طبقاتی، یکی از اصول اصلی نظام اسلامی است.»^{۲۲}، این مصداق مهم از مصادیق عدالت به عنوان یک شاخص سنجش عدالت در جامعه قابل بهره گیری است. «پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم ترین و سخت ترین مسئولیت ماست. همه ی برنامه ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه ی کسانی که در دستگاه های گوناگون مشغول کار هستند، باید این را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم ترین شاخص های حرکت خود به حساب آورند.»^{۲۳} در عباراتی دیگر رهبر انقلاب وجود تبعیض و شکاف اقتصادی را حتی از فقر هم گزنده تر تعبیر می کنند که بدان اشاره می شود: «شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداری های ناروا در مقابل محرومیت های سخت و سنگین، این مردم را آزار می دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است.»^{۲۴}

۴. توزیع عادلانه امکانات

در زمینه عدالت به صورت عمده دو نوع نگاه وجود دارد. در یک نگاه بیشتر تأکید بر توزیع برابر درآمدها است به نحوی که میزان درآمد خانوار های کم درآمد و پر درآمد به هم نزدیک شود. در نگاه دیگر، تمرکز عمده بر توزیع برابر فرصت ها و امکانات است تا هر فردی در جامعه اسلامی بتواند با تلاش خود و بهره گیری از فرصت های برابر ایجاد شده به کسب درآمد بپردازد. پرواضح است که نگاه دوم برای بلند مدت مناسب تر است هرچند نگاه اول

۲۰ بیانات در جمع زائران امام هشتم(ع) (۱۳۸۸/۱/۱)

۱۲ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)

۲۲ بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) (۱۳۸۱/۰۳/۱۴)

۲۳ بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) (۱۳۸۳/۰۳/۱۴)

۲۴ بیانات (۱۳۸۱/۳/۷)

نیز در برخی مقاطع می تواند مورد توجه باشد. در نگاه دوم: «عدالت یعنی امکاناتی که در کشور هست، عادلانه و عادلانه تقسیم کنیم، نه عادلانه ی بی حساب و کتاب، و سعی کنیم همین امکانات را بیشتر کنیم تا به همه بیشتر برسد، نه این که به قشر خاص و به دسته ی خاصی بیشتر برسد.»^{۲۵}. «این جور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه ی دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آن جا که نزدیک است بهره مند باشد، این عدالت نیست»^{۲۶}. در واقع همانطور که گفته شد: «نمی گوییم همه یک اندازه درآمد داشته باشند؛ اما فرصت های بهره مندی از امکانات عمومی در اختیار همه قرار گیرد و سوء استفاده نباشد.»^{۲۷}

۵. مبارزه با اشرافیگری

برای رسیدن به عدالت یکی از مواردی که مسئولین نظام باید بدان اهتمام داشته باشند مبارزه با اشرافی گری است. در سال های متمادی رهبر انقلاب بر این مهم تأکید داشته و مسئولان را نسبت به آن هشدار داده اند: «از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را کند می کند، نمود اشرافیگری در مسئولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشرافیگری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافیگری، اسراف است... اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ سازی می کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست می کند.»^{۲۸}

لازمه های تحقق عدالت

«عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت. عدالت، با من بمیرم تو بمیری درست نمی شود؛ عدالت با تعارف درست نمی شود؛ اولاً قاطعیت می خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می خواهد، ثالثاً ساده زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می خواهد.»^{۲۹}

گفتمان سازی عدالت

عدالت به عنوان یکی از مهم ترین مفاهیم ارزشی در اسلام و یک رکن اصلی در انقلاب و نظام اسلامی زمانی میتواند به صورت حداکثری در جامعه به منصه ظهور برسد که در جامعه تبدیل به یک گفتمان و مطالبه عمومی شده باشد. در این میان نخبگان نیز اهمیت

- | | |
|---|----|
| بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت (۱۳۸۴/۰۶/۰۸) | ۲۵ |
| بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) (۱۳۸۸/۰۱/۰۱) | ۲۶ |
| بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی (۱۳۷۷/۰۴/۰۷) | ۲۷ |
| بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت (۱۳۸۰/۰۶/۰۵) | ۲۸ |
| بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی (۱۳۸۵/۰۳/۲۹) | ۲۹ |

ویژه ای دارند و «بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود».^{۳۰} البته در برخی مقاطع انقلاب این گفتمان تا حد زیادی مطرح بوده اما «میخواهیم گفتمان عدالت، یک گفتمان زنده و همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، بخصوص در بین نسل های تازه، باید عنوان عدالت و مسئله ی عدالت، به عنوان یک مسئله ی اصلی، به طور دائم مطرح باشد».^{۳۱} در این باره رهبر انقلاب می فرماید: «گفتمان عدالت یک گفتمان اساسی است و همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است».^{۳۲} در میان اقشار مختلف مردم نیز، دانشجو که به گفته ی مقام معظم رهبری از مهمترین وظایفش گفتمان سازی است باید نسبت به این مهم دغدغه مند بوده، احساس مسئولیت کند و «وقتی مسأله عدالت اجتماعی در کشور مطرح می شود، دانشجو باید از این مسئله حمایت کند».^{۳۳} در نهایت درخواست رهبر انقلاب از مردم برای مطالبه از مسئولین در قبال مقوله ی عدالت را می آوریم: «من اعتقاد این است که باید مردم نسبت به مسأله ی عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسئولان نشان صحبت کنند و از دولت ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند. باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می دهد، موظف و مسئول کنند و از او مطالبه نمایند. باید توجه داشته باشند آن کسی که عدالت اجتماعی را در درجه ی پنجم قرار می دهد و عناوین دیگری را به جای عدالت اجتماعی می گذارد، او بیشترین نیاز یک جامعه را نادیده می گیرد و از نظر دور می کند».^{۳۴}

تعلیق بیانات امام خامنه ای بر عملکرد دولت های اخیر:

در این بخش با بررسی عملکرد سه دولت سازندگی، اصلاحات و دولت های نهم و دهم با معیار سخنان مقام معظم رهبری و برخی تحلیل های کارشناسی می پردازیم

بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت (۱۳۹۰/۲/۲۷)	۳۰
بیانات در دومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع عدالت (۱۳۹۰/۲/۲۷)	۳۱
بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۸۳/۸/۱۰)	۳۲
بیانات (۱۳۷۸/۹/۱)	۳۳
بیانات در جلسه با مسئولین نثریات دانشجویی (۱۳۷۷/۱۲/۴)	۳۴

دولت سازندگی

تاکید بر گفتمان عدالت محوری در عرصه اقتصاد:

در نگاه مقام معظم رهبری هدف از سازندگی و رونق اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی در جامعه است و این رونق را وسیله ای برای رسیدن به عدالت اجتماعی می دانند:

«هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه ی آن است»^{۳۵}

همانطور که از مجموعه بیانات مشاهده می شود در نگاه مقام معظم رهبری اصل بر برقراری عدالت اجتماعی است و سازندگی وسیله ای برای رسیدن به این اصل است در حالیکه در دوران سازندگی رونق اقتصادی در اصل قرار دارد و **حضرت آقا** این سیاست را مورد نقد قرار می دهند و گوشزد می کنند که:

«ما نمی خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه ی این سازندگی یا نتیجه ی رونق اقتصادی، این باشد که عده ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده ای فقیرتر شوند. این، به هیچ وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه ی محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله ی بین فقیر و غنی، روز به روز کمتر شود. این، هدف اصلی است»^{۳۶}

«آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسأله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصوّر می کردند - شاید حالا هم تصوّر کنند - که ما بایستی دوره ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می پردازیم. این فکر، اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه، مقدمه عدالت است.»^{۳۷}

توزیع عادلانه امکانات و توجه به اقشار محروم:

برقراری عدالت اجتماعی از مواردی بود که در دولت سازندگی و در گرماگرم توسعه اقتصادی با وجود تأکیدات مکرر رهبر انقلاب مورد توجه جدی قرار نگرفت. رهبر انقلاب در

۳۵ بازخوانی پیام های نوروزی رهبر انقلاب از سال ۶۹ تا ۹۱ (۱۳۹۰/۱۲/۲۸)

۳۶ پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی (۱/۱ /۱۳۷۲)

۳۷ بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت در (۸ /۶ /۱۳۷۳)

دیدار با آقای هاشمی و کابینه دولت سازندگی در پایان دوره هشت ساله بر همین واقعیت صحنه گذاشتند. ایشان ضمن تمجید از سازندگی‌های انجام شده فرمودند: «من نمی‌خواهم بگویم که همه‌ی آرزوهای ما برآورده شده است. از قبیل مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و مسائل مربوط به قشرهای گوناگون، کارهای زیادی وجود دارد که بایستی به مرور انجام گیرد و ان شاء الله دولتهای بعدی آنها را انجام خواهند داد»^{۳۸}

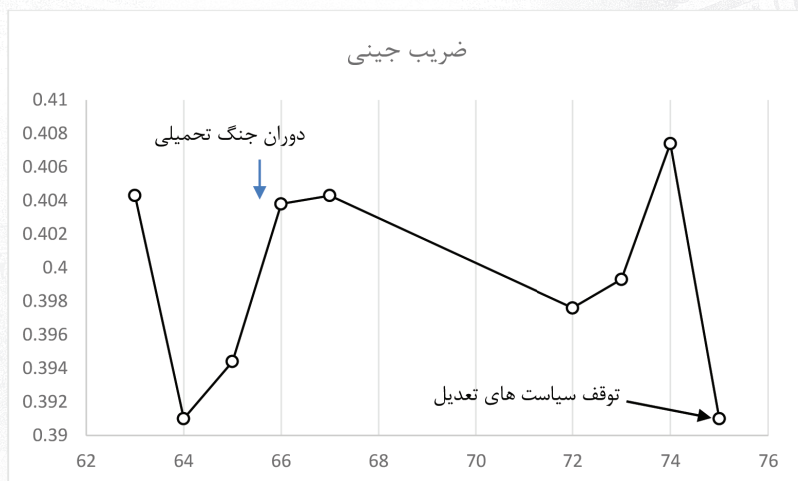
در متون توسعه اقتصادی، معیارهای مختلفی به منظور سنجش توزیع درآمد در جامعه بیان شده است. یکی از معروفترین معیارهای بررسی برابری توزیع درآمد در جامعه «ضریب جینی» می‌باشد. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک، هر مقدار که این عدد به صفر نزدیکتر باشد حاکی از برابری بیش‌تر در توزیع درآمد جامعه بین دهک‌های مختلف بوده و هر قدر که ضریب جینی به عدد یک نزدیکتر باشد نشان دهنده نابرابری بیش‌تر در توزیع درآمد جامعه بین اقشار مختلف (دهک‌های درآمدی) است.

از جمله استدلال‌های نظریه پردازان سیاست تعدیل اقتصادی در سال‌های ۶۸ به بعد در خصوص توزیع برابری درآمد این بود که ابتدا باید «یک درآمد ملی» کشور توسط افزایش تولید به اندازه کافی بزرگ شده و پس از آن بین افراد جامعه به تساوی توزیع شود تا قاچ نسبتاً بزرگی نصیب هر یک از آنها گردد؛ یعنی آنها معتقد بودند به جای این که درآمد ملی از ابتدا به طور برابر توزیع گردد، البته قبل از آن لازم است درآمد ملی به حد کافی زیاد شده و سپس به تساوی در جامعه توزیع شود.

رقم ضریب جینی در سال ۱۳۶۷ معادل $۰/۴۰۴۳$ بوده و در سال‌های ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱ همواره نوسان داشته (در چهار سال مذکور ضریب جینی به ترتیب $۰/۳۹۹۶$ ، $۰/۳۸۷۰$ بوده است) و از سال ۷۱ تا ۷۴ (با به بار نشستن سیاست‌های تعدیل اقتصادی و بزرگ شدن یک درآمد ملی) رقم ضریب جینی مرتباً افزایش یافته و به عبارت دیگر وضعیت توزیع درآمد ملی از سال ۷۱ تا ۷۴ همواره نابرابرتر شده است.

رقم ضریب جینی در سال‌های ۷۲، ۷۳، ۷۴ به ترتیب $۰/۳۹۷۶$ ، $۰/۳۹۹۳$ ، $۰/۴۰۷۴$ است. نکته حائز اهمیت این است که رقم ضریب جینی در سال ۱۳۷۴ ($۰/۴۰۷۴$) حتی بیشتر از سال‌های ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶ و ۶۷ است؛ رقم ضریب جینی در این سال‌ها به ترتیب $۰/۴۰۴۳$ ، $۰/۳۹۱۰$ ، $۰/۳۹۴۴$ ، $۰/۴۰۳۸$ ، $۰/۴۰۴۳$ است و این در حالی است که طی سال‌های ۶۳ تا ۶۷ کشور در بدترین شرایط اقتصادی (جنگ، محاصره اقتصادی، کاهش شدید درآمد نفت و...) قرار داشته است.

پس از سال ۱۳۷۴ و با توقف سیاست‌های تعدیل اقتصادی وضعیت توزیع درآمد ملی در سال‌های بعد از آن بهبود یافته و رقم ضریب جینی در سال ۷۵ به ۰/۳۹۱۰ رسیده است (درحد ضریب جینی سال ۶۴).



به هر حال بررسی وضعیت توزیع درآمد در کشور را طی سال‌های ۶۸ تا ۷۵ می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- بهبود شرایط اقتصادی، بخصوص کنترل تورم در سال‌های اولیه برنامه توسعه اول باعث بهبود در وضعیت توزیع درآمد شده است؛ به گونه‌ای که از سال ۶۸ تا ۷۱ شاخص‌های توزیع درآمد نشانگر برابرتر شدن توزیع درآمد در جامعه می‌باشد.

۲- از سال ۷۱ تا ۷۴ به دلیل افزایش تورم - بخصوص تورم ۴۹/۴ درصدی سال ۷۴ سیاست‌های نادرست ارزی، تجاری و... که همگی ناشی از سیاست تعدیل اقتصادی بوده است، وضعیت توزیع درآمد ملی رو به وخامت گذاشته و همواره توزیع درآمد نابرابرتر شده است.

۳- از سال ۷۵ به بعد با توقف سیاست‌های تعدیل اقتصادی و در نتیجه کاهش و کنترل تورم، توزیع درآمد ملی بهبود یافته است.

و اما مقایسه وضعیت هزینه‌ای سبد مصرفی دهک‌های اول و دهم خانوارهای شهر در سال‌های ۶۷ و ۷۵ نیز حاوی نکات جالبی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در سال ۱۳۶۷ متوسط کل هزینه‌های مصرفی دهک دهم ۴/۶ برابر دهک اول بوده است،

در حالی که در سال ۷۵ متوسط کل هزینه‌های مصرفی دهک دهم ۱۵/۳ برابر دهک اول می‌باشد؛ هزینه‌های «خوراکی و غیر خوراکی» دهک دهم به ترتیب ۷/۶ برابر و ۲۰/۳ برابر دهک اول بوده است.^{۳۹}

مقابله با مفاسد اقتصادی:

مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی فرمودند: «چیزی که امروز، در دوران بازسازی، مسؤولین کشور، همکاران دولت، مدیران درجه‌ی دو و سه در دستگاه‌های دولتی، تا پایین‌ترین رده‌ها، باید با دقت مراقب‌باشند، این است که در این دوران بدانند خطر رسوخ و نفوذ فساد، جدی و فلج‌کننده است. واقعاً فلج‌کننده است! در این کار، فساد که نمی‌گوید "من فسادم"! فرد مفسدی که دیگران را به وادی فساد می‌کشاند فساد مالی، فساد کاری، قرارهای نامشروع و ناموجه‌در زمینه‌های مسائل کاری کسی که انسان را تشویق می‌کند و می‌لغزاند به این سمت، از اول نمی‌گوید "من آدمم که شما را فاسد کنم." اول با یک عنوان موجه؛ با یک چیز کوچک وارد میدان می‌شود. انسان است و آسیب‌پذیری شدید. انسان، به شدت آسیب‌پذیر است. لذا، خیلی باید مراقب بود»^{۴۰}

رهبر انقلاب دو سال بعد هم در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران بر همین نکته تأکید کردند. ایشان فرمودند: «یکی از وظایف امروز آقایان، مبارزه با فساد است؛ چون کشور به ثمردهی رسیده و وقت میوه‌چینی است. زحمات گذشته شما به تدریج ثمر می‌دهد و امکانات در کشور در حال افزایش است. چنین موسمی‌همیشه و در همه تاریخ، موسم خطرناکی بوده است. موسم ورود آدمهای سوءاستفاده‌کن و فرصت‌طلب و کج‌دست و بددل و سیاه‌روست که وارد می‌شوند و اگر نتوانستند، از غفلت‌ها سوءاستفاده می‌کنند. خیلی مراقب این جهت باشید... هر جا که با این مسأله در مجموعه خودتان برخورد کردید، با کمال‌قدرت و بدون هیچ گونه ابا و امتناع و با تکیه بر همان روشها و طریقه‌های قانونی - که بحمدالله ما برای همه این کارهای اساسی قانون داریم - با آن مبارزه کنید»^{۴۱}

تأکیدات مکرر رهبر انقلاب بر مبارزه با فساد در حالی بود که بعدها کرباسچی شهردار تهران، چهره برجسته حزب کارگزاران و از نزدیکان آقای هاشمی به خاطر تخلفات مالی روانه زندان شد. تأکیدات رهبر انقلاب در حالی بود که بعدها آقای هاشمی سید حسین موسویان که در دادگاه هم محکوم شد را با فاصله چند صندلی در کنار خود جای داد. و این همه در حالی بود که هاشمی قرص و محکم پشت دانشگاه آزادی ایستاد.

۳۹ مرکز آمار ایران

۴۰ بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم دوره دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی» ۱۲/ ۵/ ۱۳۷۲

۴۱ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفتاد و هشت سال دولت ۸/ ۶/ ۱۳۷۴

ساده زیستی و برخورد با اشرافی گری:

رهبر انقلاب در باب تبیین عبرت‌های عاشورا این گونه می‌فرمایند: «عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب، در جامعه، منزوی، و فرزند انقلاب، گوشه‌گیر شود. عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند. عده‌ای، سازندگی را با مادیگرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادیگری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند... سازندگی همان کاری بود که علی بن ابی طالب (ع) می‌کرد... آن بزرگوار با دست خودش نخلستان آباد می‌کرد، زمین احیا می‌کرد، درخت می‌کاشت، چاه می‌کند و آبیاری می‌کرد. این سازندگی است. دنیا طلبی و ماده طلبی کاری است که عبیدالله بن زیاد و یزید می‌کردند. چه وقت آن‌ها چیزی را به وجود می‌آوردند و می‌ساختند؟ آن‌ها فانی می‌کردند، می‌خوردند و تجملات را زیاد می‌کردند. این دو تا را نباید با هم اشتباه کرد. امروز یک عده به نام سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده پرستی می‌کنند. آیا این سازندگی است؟»^{۴۲}

ایشان همچنین بارها و بارها نسبت به سطح زندگی مسئولین هشدار دادند و برخی عملکردهای نادرست را گوشزد کردند. ایشان در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام فرمودند: «اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین می‌شویم. والله در جامعه‌ی اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه‌ی شریفه‌ی "و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفوها ففسقوا فيها" بترسیم. تُرف، فسق هم دنبال خودش می‌آورد. انداز هنگه‌دارید؛ دولت مخارجش زیاد و سنگین است.»^{۴۳}

ایشان به مواردی اشاره می‌کردند که از بیت‌المال خرج تغییرات دکوراسیون برخی مسئولین می‌شود: «اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسؤول قضایی و فلان مسئول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم بین دستگاهها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم یزنیم. نه؛ این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاهها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی حدی معین نکنند. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یک ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسئول و یک مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقای که می‌خواهد خدمت بکند،

۴۲ بیانات در دیدار فرماندهان گردانهای عاشورای نیروهای مقاومت بسیج در سالروز شهادت امام سجاد (ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲

۴۳ سخنرانی در دیدار مسؤولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳

می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد.»

بیانات رهبر انقلاب کاملاً صراحت داشت. ایشان افزودند: «گاهی از جاهایی گزارشهای نویدکننده‌ای می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی‌اش می‌نشیند؛ رعایت کنید. سؤال می‌کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسؤول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مسأله را در جایی بگردانند؛ من هم اگر باید دخالت کنم، بگویم در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین‌طور بی‌حساب و کتاب جلویهر وزارتخانه و اداره‌ی، دهها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسؤولان آن جا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟»

ایشان ادامه دادند: «گزارش آمده که روحانی عقیدتی، سیاسی در یکی از دستگاهها، خودش ماشین دارد، ولی ماشین دولتی سوار می‌شود! من نوشتم که حق ندارد این کار را بکند. برای من جواب آمد که این کار رویه است و همه می‌کنند! این آقا خودش یک ماشین دارد، که برای خودش لازم است؛ یکی هم خانمش دارد و نمی‌شود که خانمش از این ماشین استفاده کند! عجب! این چه حرفی است؟ من الان اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم که آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند. اگر ماشین دارید، آن را سوار شوید و بهوزارتخانه و محل کارتان بیاید؛ ماشین دولتی یعنی چه؟ والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه‌ی جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده باماشین پیکان بیرون می‌آمدم. به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ اینها ما را از مردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشمها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دوراندختند دنیا، نمی‌شود در چشمها شیرین ماند. مردم رودربایستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودربایستی ندارد.»^{۴۴}

دولت اصلاحات

تاکید بر گفتمان عدالت اجتماعی در عرصه اقتصاد:

«من اعتقادم این است که باید مردم نسبت به مسأله‌ی عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسئولان‌شان صحبت کنند و از دولت‌ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند. باید آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می‌دهد، موظف و مسئول کنند و از او مطالبه نمایند. باید توجه داشته باشند آن کسی که عدالت اجتماعی

را در درجه ی پنجم قرار می دهد و عناوین دیگری را به جای عدالت اجتماعی می گذارد، او بیشترین نیاز یک جامعه را نادیده می گیرد و از نظر دور می کند.»^{۴۵}

گفتمان غالب در دولت اصلاحات توسعه سیاسی بوده است و از ابتدا هم برای مباحث اقتصادی برنامه مشخصی و مدونی وجود نداشته است. همانطور که در عبارت فوق مشاهده می شود این اقدام دولت اصلاحات یک اشتباه اساسی بوده است. این بی برنامهگی در عرصه اقتصاد در صحبت های یاران اصلاحات به خوبی نمایان است. «ما قبل از دوم خرداد اعلام کردیم که خاتمی مرد اقتصاد نیست.» جمله فوق اعترافی است که بهزاد نبوی قبل از آغاز ۴ سال دوم ریاست جمهوری خاتمی بیان کرد. در بازه زمانی فعالیت دولت اصلاحات اگر چه برخی برنامه های اقتصادی پیش رفت و برنامه توسعه هم تدوین شد، اما نگرش مشخصی در خصوص اقتصاد وجود نداشت و همین عدم وجود نگرش مشخص به تناقضات در عملکرد می انجامید.

نمود دیگر عدم توجه به عدالت اجتماعی در اولویت اول برنامه های دولت اصلاحات تعلیق بین اندیشه های مختلف اقتصادی بود. اگر میرحسین موسوی بر طبل اقتصاد دولتی می کوبید و سیاست های سوسیالیستی را دنبال می کرد و اگر علی اکبر هاشمی رفسنجانی در نقطه مقابل وی به اقتصاد لیبرالیستی اعتقاد داشت و در مقابل توصیه های بانک بین المللی پول زانو زده بود، بی تردید سید محمد خاتمی گرایش اقتصادی مشخصی نداشت. او روزی سراغ حسین نمازی اقتصاددان سوسیالیست میرحسین موسوی می رود تا گره گشای مسائل اقتصادی ایران باشد و روزی هم دست به دامن محسن نوربخش هدایتگر سیاست تعدیل هاشمی رفسنجانی می شود. البته عمده دوران دولت خاتمی محسن نوربخش بر سیاست های اقتصادی کشور نظاره گر و سعی در ایجاد ثبات اقتصادی داشت.

یکی از طرح های مهم در دولت اصلاحات، طرح ساماندهی اقتصادی بود. بگذاریم حقایق را شخص سیدمحمد خاتمی بگوید: «بخشی از ناکامی های طرح ساماندهی اقتصادی به خاطر ناموفق بودن مدیریت هایی بوده که ما داشتیم. یعنی کار را انجام ندادند. طرح هایی که بنا بود ظرف ۶ ماه تهیه شود، فراهم نشد.»^{۴۶}

طرح ساماندهی اقتصادی نیز از آن دسته طرح هایی بود که به علت عدم تأکید دولت اصلاحات در عرصه اقتصاد مانند تأکیداتشان در عرصه های دیگر مانند سیاست به خوبی انجام نشد. مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند:

«مهمترین مسأله، مسأله اقتصادی است. این طرح «ساماندهی اقتصادی» کار بزرگی بود که دولت شما انجام داد. چرا آن را ندیده می گیرید؟ چرا شما به طور جدی به آن

۴۵ بیانات در جلسه با مسئولین نشریات دانشجویی (۱۳۷۷/۱۲/۴)

۴۶ روزنامه کیهان ۱۴ شهریور ۱۳۸۰

نمی‌پردازید؟ من واقعاً از اول انتظارم این بود؛ اما حالا این انتظار را بیشتر دارم. طرح «ساماندهی اقتصادی» امیدی در مردم ایجاد کرد؛ انصافاً کار خوبی هم شد. شما ببینید چقدر از این طرح اسم آورده شد و در رسانه‌ها راجع به آن چقدر صحبت شد. آقای رئیس جمهور شخصاً نسبت به آن حرف زدند و وعده دادند و ما در آن حدی که احساس نیاز شد، حمایت کردیم و خود مسؤولان هم درباره آن صحبت‌هایی کردند. انتظار بود این قضیه به طور جدی دنبال شود. طرح «ساماندهی اقتصادی» باید دنبال شود. من فکر می‌کنم نقاط اصلی‌ای که در این طرح بود، همان نقاط اساسی‌ای بود که ما امروز به آن احتیاج داریم.^{۴۷}

علت آنچه خاتمی بدان اعتراف می‌کند، همان آلیاژی بودن تیمی است که او برگزیده و عدم نگرش مشخصی که رئیس جمهور می‌بایست می‌داشت. آن چنان که عطریانفر هم تصریح می‌کند: «رک بگویم؛ قابل قبول نیست که بعد از گذشت سه‌ونیم سال تازه شاهد بروز اختلاف میان دو نظریه اقتصادی یک کابینه مشترک باشیم. به عقیده من تیم اقتصادی آقای خاتمی آلیاژی است و آزمون و خطاهای زیادی در این دوره سه‌ونیم ساله داشته است. اما چون آلیاژها ذاتاً ناهمگونند، نمی‌توان کاری کرد. الان آقای خاتمی باید یک نگاه واحد اقتصادی برای دولت در نظر بگیرد.»^{۴۸}

خاتمی در میان این تیم شکننده اقتصادی خود نوید می‌داد که به زودی خبرهای خوش اقتصادی را به مردم خواهد داد. اما هیچ‌گاه خبری از آن خبرها نشد! و او در نهایت از روی ناچاری به نارسایی‌ها اعتراف کرد: «باید به نارسایی‌ها اعتراف کنیم... توان ما کمتر از آن بود که بتوانیم پاسخ مطالبات و توقعات صحیح جامعه را بدهیم.»^{۴۹}

هر چند که در این دوره نقاط مثبت اقتصادی‌ای هم دیده می‌شود - به طور مثال در این دوره درآمد اقتصادی کشور بسیار پایین بود و دولت با این سطح درآمد توانست کشور را اداره کند همچنین نرخ ارز را تثبیت نماید -، اما به طور کلی می‌توان گفت بزرگترین اشتباه دولت اصلاحات عدم قبول توسعه اقتصادی به عنوان یک اصل اساسی و در برنامه‌های اصلی قرار ندادن آن بود. مطلبی که نظر مقام معظم رهبری خلاف آن است.

دولت نهم و دهم:

تاکید بر گفتمان عدالت محوری:

بی‌شک یکی از مهمترین اقدامات دولت نهم گسترش گفتمان عدالت محوری بود. کاری که مقام معظم رهبری در جایگاه تجلیل از آن در دیدار اعضای هیات دولت می‌فرمایند: «یکی

۴۷ بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت در ۱۳۷۸/۶/۲

۴۸ روزنامه کیهان ۳۱ تیر ۱۳۸۰

۴۹ در جلسه بدردو با کابینه اول - مرداد ۱۳۸۰ کیهان

از شعارهای این دولت، عدالت است. عدالت یقیناً محور انقلاب بود؛ در این شکی نیست. هیچ دولتی هم از اول نیامده صریحاً بگوید من نمی‌خواهم طبق عدالت رفتار کنم؛ لیکن من باید از آقای احمدی‌نژاد تشکر کنم که ایشان کار جدیدی کردند؛ عدالت محوری را به عنوان یک شعار گذاشتند وسط؛ این کار خیلی بزرگی بود. وقتی که ایشان تبلیغات انتخاباتی می‌کردند، به افراد خانواده‌ی خود می‌گفتم اگر آقای احمدی‌نژاد رأی هم نیاورد، این خدمت بزرگ را به انقلاب کرد که شعار عدالت محوری را مطرح کرد؛ نگذاشت به فراموشی سپردن این شعار بشود یک سنت. این شعار مطرح شد و ذهن‌ها را به خودش متوجه کرد. خوشبختانه مردم هم فهمیدند، خواستند، دوست داشتند و رأی دادند. این کار، کار مهمی است. بنابراین عدالت محور بودن این دولت حرف بزرگی است؛ طرح این شعار به عنوان محور حرکت دولت، یک کار جدید است؛ خودش یک تحول است؛ به این پایبند باشید.^{۵۰}

توزیع عادلانه امکانات و توجه به اقشار محروم:

در دولت های نهم و دهم سیاست های مختلفی برای کاهش فاصله طبقاتی انجام گرفت از جمله طرح هدفمند سازی یارانه ها و سهام عدالت و ... « عدالت فقط عدالت در مسائل اقتصادی نیست، یک بخش عمده اش مسئله ی اقتصاد است. در قضاوتها، در داوری ها، در نگاه ها، در نظرها، در اظهارات، در موضع گیری ها، همه بایستی شاخص عدالت را در نظر داشته باشیم. از همه مبتلا به تر، همین مسئله ی عدالت اقتصادی و عدم توزیع عادلانه ی ثروت عمومی و درآمد عمومی ملی بین آحاد جامعه است که نمونه های فراوانی دارد که زیاد است و یکی اش همین یارانه ها است که ما خودمان یارانه می دهیم؛ به فقیر کمتر می دهیم، به غنی بیشتر می دهیم! الان این جور است دیگر. الان یارانه هایی که دولت دارد می دهد، بیت المال دارد می دهد، به فقرا داریم کمتر یارانه می دهیم، به اغنیاء بیشتر داریم می دهیم. این هدفمند کردن یارانه ها که مطرح شده، واقعاً یک امر مهمی است. سالهاست که این جزو آرزوهاست، جزو کارهاست. بنده در دولتهای قبل دو سه مرتبه کتباً و شفاهاً به دولتها گفته ام، منتها دنبال این نمی رفتند؛ کار سختی است، کار پردردسری است. همین طور ترجیح میدادند که بماند. حالا این دولت دنبال این کار رفته.»^{۵۱}

شجاعت دولت آقای احمدی نژاد در اجرای طرح تحول اقتصادی که یکی از بندهای آن هدفمند کردن یارانه ها بود بارها توسط مقام معظم رهبری ستوده شد. همچنین سهام عدالت نیز از مواردی است که توسط مقام معظم رهبری ستوده شده و به عنوان یکی از کارهای

۵۰ بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت (۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

۵۱ بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت در ۱۸ شهریور ۸۸

مناسب در عرصه اقتصادی نام برده شده است: «یک نکته‌ی دیگر هم کارهای خوبی است که در زمینه‌ی اقتصاد انجام گرفته - مثل این سهام عدالت، ادامه‌ی طرحهای نیمه تمام، نوع عدالت در ارائه‌ی تسهیلات بانکی، صندوق مهر رضا و امثال اینها - محتوا و فواید این کارها را با شکل صحیح برای مردم بیان کنید تا معلوم شود این کارها انجام گرفته است»^{۵۲}

سیاستهای عدالت محورانه دولت در عرصه اقتصاد عمدتاً مورد ستایش مقام معظم رهبری قرار گرفته است. اما برخی آمارها مانند آمار بانک جهانی از افزایش ضریب جینی در سال ۹۰ به مقدار ۰/۵۸ حکایت می‌کند. البته آمار بانک مرکزی مقدار دیگری را برای ضریب جینی در این سال بیان می‌دارد که برابر ۰/۳۸۹ است.

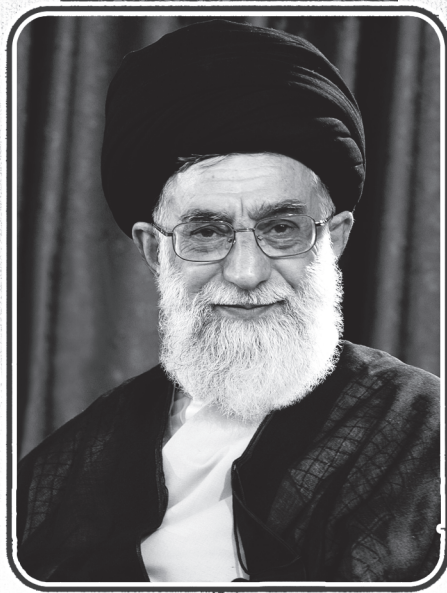
به هر حال می‌توان این گونه تحلیل نمود که اگر فاصله طبقاتی در این دو دولت افزایش هم یافته باشد به علت سیاستهای عدالت محورانه نبوده بلکه به خاطر تحریم ها و هم چنین برخی سوء مدیریت های داخلی بوده است.

ساده زیستی و برخورد با اشرافی گری:

یکی دیگر از رویکردهای دولت احمدی نژاد، ساده زیستی و افتخار به این کار بود. رویکردی که عدم رعایت آن در دولت سازندگی، شدیداً مورد انتقاد قرار می‌گیرد و مقام معظم رهبری روند کارگزاران دولت را روندی مذموم می‌شمارد. ایشان در مورد ساده زیستی آقای احمدی نژاد می‌فرمایند: «نکته‌ی بعد، توجه به ساده‌زیستی است. یکی از شعارهای خوب آقای احمدی نژاد مسأله‌ی ساده‌زیستی است. این شعار، شعار بسیار مهمی است؛ این را نباید دست‌کم گرفت. یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف‌گونه‌ای داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی‌گری می‌دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه‌اش حرام است؛ به‌خاطر این که تعلیم‌دهنده‌ی اشرافی‌گری است به: اولاً زیردست‌های خودمان؛ ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق می‌شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم. ممکن است در داخل جامعه کسانی پولدار باشند و ریخت و پاش کنند - البته این کار بدی است، ولی به خودشان مربوط است - اما ریخت و پاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت‌المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوق ریخت و پاش دیگران است. واقعاً «الناس علی دین ملوکهم». ملوک در این جا به معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ الناس علی دین ماها.»^{۵۳}

۵۲. بیانات در دیدار اعضای هیات دولت در ۶ شهریور ۸۵

۵۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت (۱۳۸۴/۰۶/۰۸)



گفتمان عدالت یک گفتمان اساسی است و همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه گیر کنید؛ به گونه ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است.



پسج دانشجویی دانشگاه شریف

Eamil:bsut@chmail.ir

تلفن تماس: ۰۲۱۶۶۰۲۲۷۱۰